
تحلیل برابری هر مؤمن با ده نفر کافر بر اساس آیه ۶۵ - ۶۶ انفال و استناد به آن در گام دوم انقلاب

علی محمد راهی^۱

چکیده

مسلمانان در مقابل کفار، گاهی ملزم به مدارا کردن هستند و گاهی ملزم به مقابله و جهاد می‌باشند. تشخیص این مدارا یا تقابل در زمان حضور معصوم، به دست اوست، اما در زمان غیبت، این تشخیص، نیازمند شناسایی ملاک‌هایی از قرآن و سنت است که تکلیف حاکمان اسلامی در هر زمانی را روشن کند، تا بر اساس آن ملاک‌ها، حکم به مدارا یا جهاد صادر کنند. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی درصدد است تا با تفسیر آیات شریفه ۶۵ و ۶۶ سوره مبارکه انفال، یکی از مهمترین این ملاک‌ها را شناسایی کند و آن کمیت نیروهای نظامی مسلمان در مقابل کفار است. بنابر آیات مذکور، اگر تعداد کفار ده برابر مسلمانان باشد، یعنی هر مؤمن در مقابل ده کافر، مسلمانان نباید احساس ضعف و ناتوانی کنند و در مقابل دشمن کوتاه بیایند. آنها با صبر و استقامت می‌توانند با یاری خداند متعال، پیروز گردند، اما اگر به هر دلیلی، این ضعف در بین مسلمانان احساس شد، آنوقت ملاک یک نفر

۱. فارغ التحصیل دکتری تفسیر تطبیقی از دانشگاه بین المللی جامعه المصطفی العالمیه و استاد مدعو.

در مقابل دو نفر حاکم است، یعنی هر مسلمانی می‌تواند در مقابل دو نفر از کفار بایستد و پیروز شود. مصداق تحقق عینی مبارزه هر مؤمن با ده نفر کافر در عصر حاضر، انقلاب اسلامی ایران و حماسه ی هشت سال دفاع مقدس است که می‌تواند الگوی مناسبی برای مقابله با دشمن برای جوانان این مرز و بوم و همه ی مسلمانان و آزاد مردان جهان در گام دوم انقلاب اسلامی باشد. البته این آیات فقط اختصاص به تعداد نیروهای انسانی ندارد، بلکه شامل تجهیزات نظامی نیز می‌شود.

کلیدواژگان: قرآن، مقابله با کفار، صبر در برابر دشمن، یاری خداوند، ۶۵ - ۶۶ انفال، ملاک جنگ، گام دوم انقلاب.

مقدمه

- بیان مسأله

در بعضی از مذاهب انحرافی، جهاد وجود نداشته و همه چیز بر محور توصیه و نصیحت و اندرز دور می‌زند، اما با توجه به اینکه همیشه افراد زورمند و خودکامه و فرعون‌ها و نمرودها و قارون‌ها که اهداف انبیاء را مزاحم خویش می‌دیدند در برابر آن ایستاده و جز به محدودین و آیین خدا راضی نبودند، روشن می‌شود که دین داران راستین در عین تکیه بر عقل و منطق و اخلاق، باید در مقابل این گردن‌کشان ظالم و ستمگر بایستند و راه خود را با مبارزه و درهم کوبیدن آنان به سوی جلو بازکنند، اصولاً جهاد یکی از نشانه‌های موجود زنده است و یک قانون عمومی در عالم حیات است، تمام موجودات زنده اعم از انسان و حیوان و گیاه، برای بقای خود، با عوامل نابودی خود در حال مبارزه‌اند. به هر حال از افتخارات ما مسلمانان، آمیختن دین با مساله حکومت و داشتن دستور جهاد در برنامه‌های دینی است (ر. ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۲۷ / ۱۹۳) این مقاله با تحلیل مبارزه هر مؤمن با ده کافر در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال، در صدد است تا سیاست نظامی انقلاب اسلامی که در گام دوم انقلاب اسلامی بیان شده است را به این آیات استناد کند. یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری آن را در بیانیته گام دوم به عنوان برکت هفتم (سابعاً) یاد می‌کند، «ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار»، (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) است. «در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر

خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره فلدوران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.» (همان)

- اهمیت تحقیق

این انقلاب با همه ی برکاتش، نتیجه ی تبعیت ملت ایران از رهبر فقیه جامع الشرایطی است که نقشه راه خود و ملتش را بر اساس آموزه‌های قرآن کریم ترسیم کرده است. شناخت این آموزه‌ها، بخصوص در عرصه جهاد، و رمز گشایی از آن می‌تواند موجب نظام سازی در امور نظامی و تئوری پردازی ی در اهداف، آداب، شرایط و نتایج جهاد در راه خدا بشود و ملت ایران را در گام دوم خود استوارتر و مقاومتر از گذشته قرار داده و این انقلاب را به عنوان الگوی نظام مندی در برابر دیدگان همه ملت های آزادیخواه و امت اسلامی قرار دهد.

- اهداف تحقیق

اهداف اصلی:

۱. تحلیل آیه ۶۵ و ۶۶ انفال در مبارزه هر مؤمن با ۱۰ کافر و بررسی آداب و شرایط آن.
۲. مستند سازی قرآنی سیاست نظامی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی.

اهداف فرعی:

۱. تبیین شاخصه ها و ملاک های نبرد نظامی با استکبار جهانی.
۲. دفاع از روحیه مقاومت در مواجهه با استکبار جهانی بویژه در جریان مذاکره با آمریکا.
۳. معرفی الگوهای موفق قرآنی در جهاد با دشمنان خدا.
۴. انطباق عوامل موفقیت سربازان اسلام در جنگ های صدر اسلام با شرایط کنونی.

- سوال های تحقیق

سؤال اصلی: تحلیل مبارزه هر مؤمن با ده نفر کافر بر اساس آیه ۶۵ - ۶۶ انفال و استناد به آن در گام دوم انقلاب چگونه است؟

سؤال های فرعی:

۱. تا چه زمانی مؤمنین موظف به مدارا کردن با کفارند؟
 ۲. جهاد در اسلام برای چند هدف مجاز شمرده شده است؟
 ۳. وعده‌های خداوند متعال به نصرت چگونه است؟
- در قرآن کریم چه نمونه‌هایی برای نصرت عملی خداوند متعال به مجاهدان بیان شده است؟
- اعداد استفاده شده در آیه ۶۵ و ۶۶ انفال حقیقی است یا دلالت بر کثرت دارد؟ اعداد استفاده شده در آیه ۶۵ و ۶۶ انفال حقیقی اند.
- هر مؤمنی برای برابری با ده کافر نیازمند به چه چیزهایی است؟
- مراد از ضعف در آیه ۶۶ انفال چیست؟
- آیا آیه ۶۵ انفال نسخ شده است؟ و حکم آن در عصر حاضر چیست؟
- تشخیص زمان مدارا با دشمن و ارزیابی شدت و ضعف روحی مؤمنین در هر زمانی به عهده کیست؟
- صبر و مقاومت اسلامی در مقابل دشمنان در عصر کنونی چه ثمراتی داشته است؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی است.

۱. پیشینه

در مورد عنوان مقاله، می‌توان به ذیل آیات ۶۵ (آیه عدد مقاتلین) و ۶۶ انفال و آیات دیگر جهاد در اکثر تفاسیر فریقین مراجعه کرد. اما به صورت خاص می‌توان منابع زیر را به عنوان پیشینه ذکر کرد:

۱. طاهری خرم آبادی، جهاد در قرآن (تفسیر آیات جهاد)، مجله: پاسدار اسلام، شماره ۱، از صفحه ۲۷ تا ۲۹، دی ماه ۱۳۶۰.
۲. طاهری خرم آبادی، جهاد در قرآن: عوامل معنوی پیروزی / صبر، مجله پاسدار اسلام، شماره ۱۱، از صفحه ۴۰ تا ۴۳، آبان ماه ۱۳۶۱.

۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸ش)، جهاد، تهران، صدرا.
 ۴. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۳ش)، جنگ و جهاد در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
 ۵. تقی زاده اکبری، علی، (۱۳۸۳ش)، جهاد در آینه قرآن، جلد ۱، قم، زمزم هدایت.
 ۶. رستمی نسب، عباسعلی، ابراهیمی، مریم، مقاله «بررسی و تبیین جایگاه جهاد به عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم» نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش.
 ۷. دفتر تبلیغات اسلامی، (بی تا)، فرهنگ نامه علوم قرآن نویسنده، آیه عدد مقاتلین، جلد ۱، صفحه ۴۳۷. <http://lib.eshia.ir/26683/1/437> تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۱۰/۲.
- تمامی این پژوهش‌ها، شامل پاره‌ای از موضوعات مرتبط با جهادند، ولی همه ابعاد این مقاله را پوشش نمی‌دهند.

۲. مفاهیم

گام دوم انقلاب: بیانیه‌ی گام دوم انقلاب یا بیانیه‌ی گام دوم نوشته سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد و با مخاطب قرار دادن جوانان، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم‌انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد تبیین کرد. مخاطب اصلی بیانیه گام دوم، جوانان به عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند و فرصت ارزشمندی برای کشور دانسته شده‌اند. (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

۳. مبانی نظری

۳.۱. نخستین فرمان جهاد

در بعضی از روایات می خوانیم هنگامی که مسلمانان در مکه بودند مشرکان پیوسته آنها را آزار می دادند، و مرتباً مسلمانان کتک خورده با سرهای شکسته خدمت پیامبر ﷺ می رسیدند و شکایت می کردند (و تقاضای اذن جهاد داشتند) اما پیامبر ﷺ به آنها می فرمود: صبر کنید، هنوز دستور جهاد به من داده نشده تا اینکه هجرت شروع شد و مسلمین از مکه به مدینه آمدند و خداوند متعال با نزول آیه ۳۹ حج در سال دوم هجری، جهاد را واجب کرد: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است چرا که مورد ستم قرار گرفته اند و خدا بر یاری آنها تواناست. (ر. ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۱۱۳/۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۴/۱۴؛ طوسی، بی تا: ۳۲۱/۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۳/۲۲۹؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۹۸/۱۷) علت تأخیر جهاد تا سال دوم هجری این بود که از یک طرف تعداد مسلمانان در مکه به اندازه ای کم بود که عملاً قیام مسلحانه کردن مفهومی جز انتحار و خودکشی نداشت و از طرف دیگر دشمن در مکه فوق العاده نیرومند بود و در واقع مرکز اصلی قدرتهای ضد اسلامی محسوب می شد و مبارزه کردن با آنها در داخل مکه امکان پذیر نبود، ولی هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه تشریف آوردند، عده زیادی به ایشان ایمان آوردند و دعوت خود را آشکار در داخل و خارج مدینه گسترش دادند و توانستند یک حکومت صالح به وجود آورند و وسایل لازم را برای مبارزه و پیکار با دشمن را آماده سازند و چون مدینه از مکه فاصله زیادی داشت این کار با فراغت خاطر صورت گرفت و نیروهای انقلابی و آزادی بخش، آماده مبارزه و دفاع در برابر دشمن شدند. (مکارم، ۱۳۷۴: ۳۰/۲)

۳.۲. اهداف جهاد

جهاد در اسلام برای چند هدف مجاز شمرده شده است:

۱. جهاد برای خاموش کردن فتنه ها: خداوند دستورها و برنامه هایی برای سعادت و آزادی

و تکامل و خوشبختی و آسایش انسان‌ها طرح کرده است، و پیامبران خود را موظف ساخته که این دستورها را به مردم ابلاغ کنند، حال اگر فرد یا جمعیتی ابلاغ این فرمان‌ها را مزاحم منافع پست خود ببینند و سرراه دعوت انبیاء موانعی ایجاد نمایند، آنها حق دارند نخست از طریق مسالمت‌آمیز و اگر ممکن نشد با توسل به زور این موانع را از سرراه دعوت خود بردارند و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند. همچنین اگر کسانی مؤمنان را تحت فشار قرار دهند که به آیین سابق بازگردند برای رفع این فشار نیز از هر وسیله‌ای می‌توان استفاده کرد. (ر. ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۷)

۲. جهاد دفاعی: تمام قوانین آسمانی و بشری به شخص یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده حق می‌دهد برای دفاع از خویشتن به پا خیزد و آنچه در قدرت دارد به کاربرد، و از هرگونه اقدام منطقی برای حفظ موجودیت خویش فرونگذارد. (همان، ص ۲۸)

۳. جهاد برای حمایت از مظلومان: شاخه دیگری از جهاد، جهاد برای حمایت از مظلومان است، در آیه ۷۵ سوره نساء می‌خوانیم: *وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا* و شما را چه شده که کارزار نمی‌کنید در راه خدا و آن ناتوان شمرده‌شدگان از مردان و زنان و کودکانی که گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون بر و برای ما از نزد خویش سرپرستی قرارده و برای ما از نزد خویش یآوری برگمار". حمایت از مظلومان در مقابل ظالمان در اسلام يك اصل است که باید مراعات شود، حتی اگر به جهاد منتهی گردد، اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان در برابر فشارهایی که به مظلومان جهان وارد می‌شود بی‌تفاوت باشند، این دستوریکی از ارزشمندترین دستورات اسلامی است که از حقانیت این آیین خبر می‌دهد. (همان، ص ۲۸)

۴. جهاد برای محو شرك و بت پرستی: اسلام در عین اینکه آزادی عقیده را محترم می‌شمرد و هیچ کس را با اجبار دعوت به سوی این آیین نمی‌کند، به همین دلیل به اقوامی که دارای کتاب آسمانی هستند، فرصت کافی می‌دهد که با مطالعه و تفکر آیین اسلام را

بپذیرند، و اگر نپذیرفتند، با آنها به صورت يك " اقلیت هم پیمان " (اهل ذمه) معامله می‌کند و با شرایط خاصی که نه پیچیده است و نه مشکل با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار می‌نماید، در عین حال نسبت به شرك و بت پرستی، سختگیر است زیرا: شرك و بت پرستی نه دین است و نه آیین و نه محترم شمرده می‌شود، بلکه يك نوع خرافه و انحراف و حماقت و در واقع يك نوع بیماری فکری و اخلاقی است که باید به هر قیمت که ممکن شود آن را ریشه‌کن ساخت.

کلمه آزادی و احترام به فکر دیگران در مواردی به کار برده می‌شود که فکر و عقیده لا اقل يك ریشه صحیح داشته باشد، اما انحراف و خرافه و گمراهی و بیماری چیزی نیست که محترم شمرده شود و به همین دلیل اسلام دستور می‌دهد که بت پرستی به هر قیمتی که شده است حتی به قیمت جنگ، از جامعه بشریت ریشه کن گردد. بت خانه‌ها و آثار شوم بت پرستی اگر از طرق مسالمت‌آمیز ممکن نشد با زور ویران و منهدم گردند. (همان، ص ۲۹)

۳.۳. وعده‌های خداوند متعال به نصرت

وعده‌هایی که خداوند متعال به یاری دادن مؤمنین در قرآن کریم داده است گاهی مطلق و گاهی مشروط می‌باشد:

۱. وعده مطلق

- كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (مجادله/۲۱) " خدا مقرر داشته که قطعاً من و فرستادگانم پیروز می‌شویم [چرا] که خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است. "
- «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۲۴۹) " چه بسا گروهی اندک، به رخصت خدا، بر گروهی انبوه پیروز شدند. «و خدا با شکیبایان است».

۲. وعده نصرت به شرط اخلاص و اقدام

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷) " ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار

می‌دارد". این آیه مؤمنین را به جهاد، تحریک می‌کند و وعده نصرتشان می‌دهد، اگر خدا را نصرت دهند. و منظور از «نصرت دادن به خدا» جهاد در راه خدا، تنها به منظور تأیید دین او و اعلا‌ی کلمه حق است، نه اینکه جهاد کنند تا در زمین سروری نمایند، و یا غنیمت به چنگ آرند، و یا شجاعت و هنر خود را نشان دهند. و مراد از اینکه فرمود: «خدا هم شما را یاری می‌کند» این است که اسباب غلبه بر دشمن را برایتان فراهم می‌سازد، مثلاً ترسی از شما در دل کفار می‌اندازد، و امور را علیه کفار و به نفع شما جاری می‌کند و دل‌های شما را محکم و شجاع می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/۲۲۹)

- در نخستین فرمان به جهاد، به قدرت خداوند متعال بر یاری مجاهدان اشاره می‌شود: «أُذِّنُ لِلَّذِينَ يِقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج/۳۹) "به کسانی که با آنان کارزار کرده‌اند، از آن رو که ستم دیده‌اند رخصت کارزار داده شد و هر آینه خداوند بر یاری ایشان تواناست" اما در آیه بعد، به یک نکته کلیدی که فصل الخطاب این یاری کردن است اشاره می‌شود و آن عبارت «... وَلَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ...» (همان/۴۰) است "و البته خدا کسی را که [دین] او را یاری کند یاری خواهد کرد". لامی که بر سر جمله «لَيُنْصِرَنَّ» در آمده لام قسم است. خداوند متعال علاوه بر سوگند، وعده خود را با نون تأکید ثقیله هم تأکید کرده است، و آن وعده این است که هر کس او را با جهاد و قتال با دشمنان یاری کند، او یاریش می‌کند و خدای تعالی به این وعده خود در حق مسلمانان وفا کرد و در جنگ‌ها و غزوات بر دشمنان پیروزیشان داد، البته این تا وقتی بود که مسلمانان دین خدا را یاری می‌کردند. (ر. ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۸۶)، «احتیاج به تذکر نیست که خدای سبحان از همه موجودات بی‌نیاز است، پس معلوم می‌شود مقصود از این نصرتی که جمله مورد بحث می‌فرماید، نصرت دین اسلام و ترویج و انجام احکام آن است که بر حق می‌باشد» (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۳/۱۶۵)، همانگونه که قرینه موجود در انتهای آیه هم این معنا را تأیید می‌کند «... إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/۴۰) "همانا خدا هر آینه نیرومند و توانای بی‌همتاست" و به قدرت و عزت خود در نابود کردن هر کسی که نابودیش را بخواهد، نیرومند است و از آفریدگانش بی‌نیاز

است، پس عَلت مکلف ساختن آنها به جهاد این است که با اطاعت از فرمان او به ثواب برسند. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۵۲/۴) وگرنه خدا نیازی به کمک کردن دیگران ندارد.

پس شرط بهره مند شدن از نصرت الهی این است که شخص مجاهد، نیت نصرت یاری خداوند متعال را داشته باشد و خالصانه در این مسیر قدم بردارد، اما صرف نیت، کافی نیست و در مقام عمل هم باید دست به اسلحه شوند، لذا یکی از راه هایی که برای یاری کردن خداوند متعال در قرآن کریم معرفی شده است، استفاده از آهن (شمشیر و ابزار آلات جنگی) در مقابل دشمنان خدا و پیامبران است «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید/۲۵) " و آهن را فرو فرستادیم که در آن نیرویی شدید و سودهایی برای مردم است، و تا خدا معلوم دارد که چه کسی او و فرستاده گانش را در نهان یاری می کند، براستی خدا نیرومندی شکست ناپذیر است. جمله «وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ» غایتی است عطف بر غایتی که حذف شده، و تقدیر کلام چنین است " و انزلنا الحديد لكذا وليعلم الله من ينصره... "، یعنی ما آهن را برای این ... نازل کردیم، و نیز برای اینکه خدا معلوم کند چه کسی او و رسولان او را یاری می کند... (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۷۲) یعنی باید دست به سلاح بشوند و در راه خدا جهاد کنند تا معلوم شود چه کسی خدا و رسولانش را یاری می کند تا خداوند متعال هم او را یاری کند.

۳. وعده نصرت به شرط صبر و مقاومت و ثبات قدم

خداوند متعال گاهی نصرت خویش را مقید به صبر و مقاومت کرده و فرموده است که با تعداد کم، اما با روحیه بالا، می شود بر دشمن پر عِدَّة و عُدَّة پیروز شد:

- «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا...» (فصلت/۳۰) به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: نترسید و غمگین مباشید.

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا...» (انفال/۴۵) " ای کسانی که ایمان آورده اید

هنگامی که گروهی از دشمنان را در برابر خود در میدان نبرد ببینید ثابت قدم باشید". یعنی یکی از نشانه‌های بارز ایمان ثبات قدم در همه زمینه‌ها مخصوصاً در پیکار با دشمنان حق است. (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۷)

- «... وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶)؛ "و صبر کنید که خداوند با صابران است"

تفاوت میان ثبات قدم و استقامت و صبر از این نظر است که ثبات قدم بیشتر جنبه جسمانی و ظاهری دارد، در حالی که استقامت و صبر بیشتر جنبه‌های روانی و باطنی را شامل می‌شود. (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۱۹۶/۷)

۴. فراوان یاد خدا کردن

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقَيْتُمْ فِتْنَةً... وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال/۴۵)؛ "ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که با گروهی (در میدان نبرد) روبرو می‌شوید... و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید." منظور از یاد خدا تنها ذکر لفظی نیست، بلکه خدا را در درون جان حاضر دیدن و به یاد علم و قدرت بی‌پایان و رحمت و سיעش بودن است، این توجه به خدا روحیه سرباز مجاهد را تقویت می‌کند و در پرتو آن احساس می‌نماید که در میدان مبارزه تنها نیست، تکیه‌گاه نیرومندی دارد که هیچ قدرتی در برابر آن مقاومت نمی‌کند، و اگر هم کشته شود به بزرگترین سعادت، یعنی سعادت شهادت رسیده است و در جوار رحمت حق رستگار خواهد بود، خلاصه یاد خدا به او نیرو و آرامش و قوت و قدرت و پایداری می‌بخشد. به علاوه یاد و عشق خدا، عشق زن و فرزند و مال و مقام را از دل بیرون میراند و توجه به خدا آنها را که باعث سستی در امر مبارزه و جهاد می‌شود از خاطر می‌برد، چنان که امام سجاد زین العابدین علیه السلام در دعای معروف صحیفه که برای «مرزبانان اسلام» و مدافعان سرحدات مسلمین خوانده به پیشگاه خدا چنین عرض می‌کند: «وانسهم عند لقائهم العدو و ذکر دنیاهم الخداعة و امح عن قلوبهم خطرات المال الفتون واجعل الجنة نصب اعينهم» (امام سجاد، ۱۳۷۶: دعای ۲۷ / ۱۲۶) یعنی پروردگارا، یاد دنیای فریبنده را از دل این پاسداران مبارز بیرون

کن، و توجه به زرق و برق اموال را از قلب آنها دور ساز، و بهشت را در برابر چشمان فکر آنها قرار ده. (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۷-۱۹۵)

۵. اطاعت از رهبر

- «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (انفال/۴۶)؛ خداوند متعال در ادامه آیه ۴۵ سوره انفال می فرماید: "از خدا و رسولش اطاعت کنید". پس یکی دیگر از مهم ترین برنامه های مبارزه، توجه به مسئله رهبری و اطاعت از دستور پیشوا و رهبر است

۶. پرهیز از پراکندگی و نزاع

- «... وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ...» (انفال/۴۶) " نزاع (و کشمکش) مکنید تا سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود "کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است و نتیجه این سستی و فتور، از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت و عظمت مسلمانان است. (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۷-۱۹۶)

۷. برحذر داشتن از کارهای ابلهانه، غرور، ریا و دنیا طلبی

- «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (انفال/۴۷)؛ " و مانند کسانی نباشید که از سرزمین خود از روی هوا پرستی و غرور و خودنمایی کردن در برابر مردم (به سوی میدان بدر) بیرون آمدند و (مردم را) از راه خدا باز می داشتند (و سرانجام کارشان شکست و نابودی شد) و خداوند به آنچه عمل می کنند احاطه (و آگاهی) دارد. "مانند همان کارهایی که ابوسفیان و یاران او انجام دادند. مفسران نوشته اند ابوسفیان هنگامی که با تردستی خاصی کاروان تجارتی قریش را از قلمرو مسلمانان به سلامت بیرون برد کسی را به سراغ ارتش قریش که عازم میدان بدر بود فرستاد که دیگر نیازی به مبارزه شما نیست بازگردید ولی «ابو جهل» که غرور و تکبر و تعصب خاصی داشت

سوگند یاد کرد که ما هرگز باز نمی‌گردیم تا اینکه به سرزمین بدر برویم (و بدر قبل از این جریان یکی از مراکز اجتماع عرب بود که در هر سال يك بازار تجارتي در آن تشکیل می‌شد) و سه روز در آنجا خواهیم ماند، و شترانی ذبح می‌کنیم و غذای مفصلی راه می‌اندازیم و شراب می‌نوشیم و خوانندگان برای ما می‌خوانند و می‌نوازند تا صدای ما به گوش عرب برسد و قدرت و قوت ما تثبیت گردد. اما سرانجام کارشان به شکست کشید و به جای جام شراب جام های مرگ نوشیدند، و در عوض خوانندگان، نوحه‌گران بر عزای آنها نشستند. (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۷؛ ر.ک: قرآنی، ۱۳۸۳: ۴/۳۳۴ تا ۳۳۷)

۴.۳. نصرت عملی خداوند متعال به مجاهدان در راه خدا

۱. جنگ بدر

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (آل عمران/ ۱۲۳) " و همانا خداوند شما را در جنگ بدر در حالی که ناتوان بودید یاری کرد، پس از خداوند پروا کنید، باشد که سپاس‌گزاری نمائید " «در جنگ بدر تعداد مسلمانان ۳۱۳ نفر بود، ۷۷ نفر آنها از مهاجران و ۲۳۶ نفر آنها از انصار بودند پرچم مهاجران به دست علی عليه السلام بود و سعد بن عباده پرچمدار انصار بود آنان تنها با داشتن هفتاد شتر و دو اسب و شش زره و هشت شمشیر در این نبرد بزرگ شرکت کرده بودند، با اینکه سپاه دشمن بیش از هزار نفر با اسلحه کافی بودند و یکصد اسب داشتند مسلمانان با دادن بیست و دو نفر شهید (۱۴ نفر از مهاجران و ۸ نفر از انصار) به دشمن که هفتاد کشته و هفتاد اسیر داد غالب شدند و با پیروزی کامل به مدینه مراجعت کردند» (مکارم، ۱۳۷۴: ۲/۴۵۲)

اما نحوه پیروز کردن مسلمانان در این جنگ، خود حکایت جالبی است. این پیروزی با چند تصرف و امداد از طرف خداوند متعال انجام شد که به نفع مؤمنین بود:

۱.۱. تصرف در ادراک مردم

خداوند متعال در جنگ بدر در ادراک مسلمانان و مشرکین تصرف کرد به گونه‌ای که در ابتدای جنگ هر دو گروه مسلمان و مشرک، طرف مقابل خود را کم دیدند و ترغیب به جنگ شدند «وَإِذْ يَرْيَكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيَقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (انفال/۴۴) و «به یاد آورید) زمانی که چون با دشمن برخورد کردید، خداوند دشمنان را در نظر شما کم جلوه داد (تا با جرأت حمله کنید) و شما را نیز در دیدگاه آنان اندک نشان داد (تا از کفار مگه، کمک نخواهند و با جرأت به شما حمله کنند). این کار برای آن بود که خداوند کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقق بخشد. و (بدانند که) همه کارها به خدا باز می‌گردد (و اراده او بر هر چیزی نافذ است). اما وقتی جنگ آغاز شد و دیگرراهی برای فرار نبود خداوند متعال در چشم مشرکین تصرف کرد و آنها مسلمانان را دو برابر دیدند و همین موجب رعب و شکست مشرکین شد «فَدَّ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فُتَاتِنِ التَّقَاتِ فِتَّةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِيهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران/۱۳) "بییقین در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبه روشدند، نشانه‌ای (و عبرتی) برای شما بود: گروهی، در راه خدا جنگ می‌کرد و [گروهی] دیگر کافر بودند، که با چشم خود، آن (مؤمن) آن را دو برابر آنان می‌دیدند. و خدا، هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد، با یاریش، تأیید می‌کند. قطعاً در این (ماجرای) صاحبان بینش عبرتی است" درباره جمله «يَرَوْنَهُمْ مِثْلِيهِمْ» بین مفسرین اختلافات زیادی وجود دارد از این جهت که فاعل «يَرَوْنَ» کیست؟ و «هم» اول به چه کسی برمی‌گردد و «هم» در «مِثْلِيهِمْ» به چه کسی برمی‌گردد؟ نظر علامه طباطبایی رحمته الله علیه این است که «فاعل «یرون» کفارند ولی دو ضمیر دیگر به مؤمنین بر می‌گردد یعنی کفار مؤمنین را دو برابر می‌دیدند یعنی ۶۲۶ نفر» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۹۴؛ ر.ک: مصباح، ۱۳۸۸: ۴/۱۳۶-۱۳۹)

۲.۱. القاء رعب و نزول سکینه

یکی دیگر از تصرفاتی که خداوند متعال برای پیروزی مسلمانان انجام می‌دهد القاء

رعب در قلوب کفار است «سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...» (آل عمران/۱۵۱) "ما در دل های کافرین رعب ایجاد خواهیم کرد" و در مقابل در دل های مؤمنین سکینه ایجاد می کند «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۲۶) " سپس خدا آرامش خود را بر فرستاده اش و بر مؤمنان فرو فرستاد". در جنگ بدر نیز خداوند متعال هم سکینه و آرامش را در قلوب مؤمنین قرار داد و هم رعب و وحشت را در دل کفار قرار داد، آنجا که فرمود: «إِذْ يُوْحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّثُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...» (انفال/۱۲) " (به یاد آور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: « که من با شمایم پس کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت [قدم] دارید. بزودی در دل های کسانی که کفر ورزیدند وحشت می افکنم."

۳.۱. امداد با فرشتگان

خداوند متعال درباره جنگ بدر می فرماید: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُزْدِفِينَ» [به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می طلبیدید، پس دعای شما را اجابت کرد که: «من شما را با هزار فرشته پیاپی، یاری خواهم کرد...». «ردف» بطوری که راغب گفته است به معنای تابع است و «ترادف» به معنای این است که دو چیز و یا دو کس یکدیگر را متعاقب کنند، و «رادف» به معنای متاخر است، و «مردف» آن کس است که جلو سوار شده و کسی را پشت سر خود سوار کند (راغب، ۱۴۱۲: ۳۴۹) بنابراین، مراد از ملائکه مُردِف، هزارملکی هستند که پیشاپیش آمدند و ملائکه دیگری را نیز در پی داشتند پس منافاتی با آیات ۱۲۳ تا ۱۲۵ آل عمران ندارد که فرمود: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ* إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ* بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر - با آنکه ناتوان بودید - یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید. آن گاه که به مؤمنان می گفتی:

«آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟» آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همانگاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

امداد فرشتگان به دو صورت ممکن است: یا بصورت معنوی که همان تصرف در ادراک ها و آرام بخشی دل هاست و یا بصورت مادی که همان امداد فیزیکی است. خداوند متعال می فرماید: «إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ» (انفال/۱۲) «هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می کرد که من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده اند ثابت قدم بدارید. به زودی در دل کافران وحشت خواهیم افکند. پس، فرازگردنها را بزنید، و همه سرانگشتان شان را قلم کنید». «عبارت «فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ» ممکن است دستور به مؤمنین یا ملائکه باشد، هرچند هر دو جایز است اما دومی ظاهر است. ابن انباری گوید: فرشتگان نمی دانستند که کدام سمت بدن مشرکین را هدف قرار دهند خداوند به آنها یاد داد.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۸۰۹)

۲. جنگ احزاب

این نبرد که نام دیگر آن «خندق» است در شوال سال پنجم هجری واقع شد، احزاب جمع حزب به معنی گروهها می باشد و علت نامیدن آن به احزاب این است که قبائل مختلف عرب از قریش و غطفان و کنانه و یهود و قریظه و در این جنگ بر علیه مسلمانان همدست شدند. تعداد سپاهیان اسلام در این نبرد، سه هزار نفر، و تعداد لشکر کفار، حدود ده هزار نفر بود. (ر.ک: بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۰/۲۰۰-۲۰۱؛ مکارم، ۱۳۸۲: ۳/۵۹۲)

آیات ۹ تا ۲۷ سوره احزاب مربوط به همین جنگ است که به توصیف روحیه مؤمنین از یک طرف و منافقین از طرف دیگر می پردازد. منافقین و کسانی که در دل هایشان بیماری بود با دیدن کفار می گفتند: «خدا و فرستاده اش جز فریب به ما وعده ای ندادند (احزاب/۱۲) و گروهی از آنها می گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه) اینجا جای توقف شما نیست به

خانه‌های خود بازگردید» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی حفاظ است»، در حالی که بی حفاظ نبود و آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند. (همان/۱۳) آنها چنان به پیغمبر ﷺ نگاه می‌کردند و چشم‌هایشان در حدقه می‌چرخید، که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند، اما وقتی حالت خوف و ترس فرونشست، زبان‌های تند و خشن خودشان را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر مسلمانان گشودند (و سهم خود را از غنایم مطالبه کردند) (همان/۱۹) اما در عوض مؤمنین وقتی چشمشان به کفار افتاد، گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند» و این موضوع جز برایمان و تسلیم آنان نیفزود «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (همان/۲۲)

خداوند متعال به برکت ایمان مؤمنین، نصرت و یاری خودش را شامل حال آنها کرد و احزاب را نیز مانند کفار بدر، دچار رعب و وحشت کرد «وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ» (همان/۲۶) ضمن اینکه آنها را نیز با امدادهای غیبی یاری داد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا...» (همان/۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد سخت و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم". مراد از «ریحاً» آن باد تندی بود که بر ایشان وزید تا دیگ‌های غذا برگشته و خیمه‌های آنها کنده شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۳۲) و منظور از «جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» که به یاری مسلمانان آمدند همان فرشتگانی است که یاری آنها نسبت به مؤمنان در غزوه بدر نیز صریحاً در قرآن مجید آمده است ولی دلیلی در دست نیست که فرشتگان، این جنود الهی ناپیدا، رسماً وارد میدان و مشغول جنگ شده باشند، بلکه قرائنی در دست است که نشان می‌دهد آنها برای تقویت روحیه مؤمنان و دلگرمی آنان نازل گشته‌اند (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۱۹)

۳. جنگ حنین

خداوند متعال در آیات ۲۵ تا ۲۷ سوره توبه در مورد جنگ حنین و نصرت خودش می

فرماید: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ * ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ * ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» " خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید) و در روز حنین (نیز یاری نمود) در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید، سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکرهایی فرستاد که شما نمی دیدید و کافران را مجازات کرد و این است جزای کافران."

این آیات به داستان جنگ حنین اشاره نموده و بر مؤمنین منت می گذارد که چگونه مانند سایر جنگ ها که در ضعف و کمی نفرات بودند آنها را نصرت داد، آنها چه نصرت عجیبی. و بخاطر تایید پیغمبرش آیات عجیبی نشان داد، لشکریانی فرستاد که مؤمنین ایشان را نمی دیدند، و سکینت و آرامش خاطر در دل رسول خدا صلی الله علیه و آله و مؤمنین افکند و کفار را بدست مؤمنین عذاب کرد. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۹/۲۸۹)

«حنین» سرزمینی است میان مکه و طائف که در آنجا جنگ مسلمانان، با کفار هوازن و ثقیف واقع شد. مسلمانان دوازده هزار نفر بودند که ده هزار از مسلمانان پروپا قرصی بودند که در فتح مکه حاضر بودند و دوهزار هم از «طلقا» و آزادشدگان مکه به آنان پیوسته بودند اما افراد هوازن و ثقیف با تمام افراد دیگر که از کفار به آنها پیوسته بودند چهار هزار نفر بودند.

وقتی دو گروه در مقابل هم قرار گرفتند. مردی از مسلمانان که از بسیاری مسلمین و قتل کفار خوشحال شده بود گفت: هرگز امروز مغلوب نخواهیم شد، اما وقتی پیامبر اکرم سخن او را شنید خوشش نیامد. بعضی گفته اند گوینده این سخن ابو بکر بوده است. چنان که خداوند فرموده است: «أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ» فراوانی افرادتان شما را به شگفتی درآورده است. جنگ سختی در گرفت و مسلمانان که به دلیل کثرتشان مغرور شده بودند و تاب مقاومت

نداشتند شکست خوردند، آن چنان که آوازه شکست آنان به مکه رسید. اما پیامبر هم چنان مقاومت می‌کرد، و علی علیه السلام نیز پرچم را در دست گرفته، با کفار می‌جنگید، و عباس بن عبد المطلب هم در طرف راست لگام قاطر رسول خدا را بدست گرفته بود و ابوسفیان پسر حارث بن عبد المطلب نیز با نه نفر از بنی هاشم در طرف چپ آن حضرت بودند و «ایمن» پسر ام ایمن هم، نفر دهم آنها بود که در آن روز کشته شد. پیامبر به عباس که صدای رسایی داشت، فرمود که مردم را صدا بزند، فریادش بلند شد: ای گروه مهاجران و انصار، ای اهل بیعت شجره، و ای اصحاب سوره بقره، کجا فرار می‌کنید پیامبر خدا این جاست! مردم برگشتند در حالی که می‌گفتند: لبیک لبیک، در این حال فرشتگان که کلاه خودها بر سر داشتند و سوار بر اسب‌های ابلق بودند نازل شدند، رسول اکرم به نحوه تلاش و مبارزه مسلمانان نظر افکند و فرمود: «اکنون تنور جنگ داغ شد، من پیامبر راستینم، من فرزند عبد المطلبم». یاری از طرف خداوند آمد، و «هوازن» شکست خوردند.» (مترجمان، ۱۳۷۷: ۲/ ۵۲۸ - ۵۲۷)

۴. تحلیل آیات ۶۵ و ۶۶ انفال

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ *الآن حَقَفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ صَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/ ۶۵ و ۶۶) ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن، شکیبا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند، و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند، چرا که آنان قومی اند که نمی‌فهمند. اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبا باشند بر دویست تن پیروز گردند، و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند، و خدا با شکیبایان است.

دقت در این دو آیه نشان می‌دهد که در صدر اسلام، مؤمنین دارای ایمان و روحیه بالایی بودند، به گونه‌ای که هر کدام از آنها می‌توانستند در مقابل ده نفر از کفار بایستند و پیروز شوند

اما به مرور زمان این روحیه کاسته شد. علی بن ابراهیم در تفسیر قمی می گوید: در ابتدا، حکم جهاد اصحاب رسول اکرم ﷺ اینگونه بود که بر هر مردی واجب بود با ده نفر از کفار بجنگد و در صورت فرار از آنها، حکم فراری از جنگ را پیدا می کرد، و صد نفر از آنها با هزار نفر می جنگیدند، اما بعدها خداوند متعال دید که آنها ضعیف دارند و دیگر قدرت بر آن نوع رویارویی را ندارند، پس آیه ۶۶ انفال (الآنَ حَقَّفَ اللَّهُ...) را نازل کرد و بر مؤمنین واجب کرد که هر کدام از آنها در برابر دو نفر از کفار بایستند و بجنگند و اگر فرار کنند، حکم فراری از جنگ را دارند، اما اگر یک نفر مسلمان در مقابل سه نفر از کفار قرار گرفت و فرار کرد دیگر حکم فراری از جنگ را ندارد. (قمی، ۱۳۶۷: ۱/۲۸۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۷۰۹)

۱.۴. دلالت اعداد برواقعیت یا کثرت

ظواهر آیات قرآن کریم تازمانی که دلیل قطعی برخلاف آن وجود نداشته باشد، حجت است و نمی توان در آنها دست به تأویل برد (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۲: ۲۹۳؛ انصاری، بی تا: ۱/۱۵۴) اما اگر در بعضی از آنها قرینه ای بر خلاف بود دیگر ظهور بدوی آن آیات حجت نیست و فهم صحیح و جامع آنها درگرو مراجعه به آیات دیگر است. مهم ترین دلیل حجیت ظواهر، بنای عقلاست. بنای عقلا در نوشته ها و گفته ها آن است که هنگام تعیین مراد و مقصود گوینده از ظاهر کلام او پیروی و به آن استدلال می کنند و خداوند متعال نیز از این روش عقلایی منع نکرده و روش دیگری نیز اختراع نکرده است، پس همان روش عقلا را تقریر و تشبیت کرده و همان روش در فهم و تفسیر قرآن حجت است. (آخوند خراسانی، بی تا: ۲۸۱)

اعدادی که در قرآن کریم آمده است نیز مشمول این قاعده اند یعنی اصل بر حقیقی بودن آنهاست مگر اینکه دلیل یقین آوری بر خلاف آن باشد. اعدادی مانند: بیست، دویست، صد، هزار، دو هزار، که در این دوآیه آورده شده اند، دلیلی بر خلاف در مورد آنها وجود ندارد پس این اعداد واقعاً دلالت بر موضوع له خود (بیست نفر، دویست نفر و...) می کنند.

۲.۴. شروط برابری هر مؤمن با ده کافر

- ایمان: خداوند متعال در ابتدای آیه ۶۵ انفال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ...». در این آیه «حَرِّضِ» فعل امر و به معنای "ترغیب کن" است و مفعول آن «الْمُؤْمِنِينَ» می‌باشد. (درویش، ۱۴۱۵: ۴/۴۱) یعنی خداوند متعال به پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد که مؤمنین را به جهاد ترغیب کند. پس شرط اول برای برابری هر مؤمن با ده کافر، دارا بودن ایمان است.

- صبر: شرط دوم برای این برابری، داشتن صبر و تحمل است. برای همین خداوند متعال «صَابِرُونَ» را به عنوان صفت برای «عَشْرُونَ» (همان) ذکر کرده است. یعنی صبور بودن این بیست نفر مؤمن می‌تواند این پیروزی را رقم بزند. هر چند در مقابله یک مؤمن با دو کافر نیز صبر لازم است برای همین در آیه ۶۷ می‌فرماید: «فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ»؛ "پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبا باشند بر دویست تن پیروز گردند" اما نباید از این نکته غافل شد که صبری که در مبارزه یک مؤمن با ده کافر وجود دارد به مراتب بیش از صبری است که در مبارزه ی یک مؤمن با دو کافر وجود دارد.

- فقه: یکی دیگر از شروطی که به صورت غیر مستقیم بدان اشاره شده است، «فقه» یا همان «آگاهی» داشتن اهل ایمان در این مبارزه است، چرا که در آخر آیه آمده است: «بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» یعنی شکست کفار با این تعداد، از مؤمنین به این دلیل است که آنها آگاهی ندارند. پس رابطه ی تنگاتنگی میان «آگاهی» و «پیروزی» یا «عدم آگاهی» و «شکست» وجود دارد. زیرا مؤمنان، راه خود را به خوبی می‌شناسند، هدف آفرینش و وجود خود را درک می‌کنند، و از نتایج مثبتی که در این جهان و پاداش‌های فراوانی که در جهان دیگر در انتظار مجاهدان است با خبرند، آنها می‌دانند برای «چه» می‌جنگند و برای «که» پیکار می‌کنند و در راه «چه هدف مقدسی» فداکاری می‌نمایند، و اگر در این راه قربانی و شهید شوند حسابشان با «کیست»، این مسیر روشن و این آگاهی، به آنان صبر و استقامت و پایداری می‌بخشد. اما افراد بی‌ایمان و یا بت پرستان، درست نمی‌دانند برای چه می‌جنگند؟ و برای چه کسی

مبارزه می‌کنند؟، و اگر در این راه کشته شدند خون آنها را چه کسی جبران خواهد کرد؟ تنها روی يك عادت و تقلید کورکورانه و یا تعصب خشک و بی‌منطق به دنبال این مکتب افتاده‌اند و این تاریکی راه و ناآگاهی از هدف و ندانستن پایان کار و نتیجه مبارزه، آنها را سست می‌کند، و توان و استقامتشان را می‌گیرد، و از آنها موجودی ضعیف می‌سازد. (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۲۳۷/۷)

۳.۴. مراد از ضعف

منظور از «ضعف» ضعف در صفات روحی است که بالآخره به ضعف در ایمان منتهی می‌شود نه ضعف از جهت نفرت و تجهيزات جنگی، چون بدیهی است که مؤمنین همواره در زمان رسول خدا ﷺ رو به قوت و زیادی نفرت بودند نه رو به ضعف. پس یقین به حق است که همه صفات پسندیده موجب پیروزی، از قبیل شجاعت و صبر و رأی صائب از آن سرچشمه می‌گیرد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۳/۹)

۴.۴. نسخ یا عدم نسخ آیه ۶۵ انفال

در مورد نسخ این آیه دو قول وجود دارد:

قول اول: بعضی آیه دوم را ناسخ آیه اول می‌دانند (جصاص، ۱۴۰۵: ۲۲۷/۴؛ کیهراسی، ۱۴۰۵: ۱۵۴/۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۴۹/۵؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۰۱/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۲۳/۲؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۲۰۵/۱؛ جرجانی، ۱۳۷۷: ۱۶/۴) شیخ طوسی می‌گوید: «این قول ابن عباس، حسن، عکرمه، قتاده، مجاهد، سدی، عطاء، بلخی، جبائی، رمانی و جمیع مفسرین است». (طوسی، بی‌تا: ۱۵۴/۵) بنابر این قول، در ابتدا بر مسلمانان واجب بود که هر کدام در برابر ده نفر از کفار بایستند و مبارزه کنند و فرار از آنها فرار از جنگ محسوب می‌شد، اما آیه بعد حکم این آیه را نسخ کرد و به آنها تخفیف داد.

قول دوم: جمعی از مفسران معتقدند که اختلاف ظاهری که بین دو آیه دیده می‌شود، دلیل بر نسخ نیست، بلکه هر يك از این دو حکم مورد معینی دارد، به هنگامی که مسلمانان گرفتار ضعف و سستی شوند و در میان آنها افراد تازه کار و ناآزموده و ساخته نشده باشند

مقیاس سنجش همان نسبت دو برابر است، ولی به هنگامی که افراد ساخته شده و ورزیده و قوی الایمان همانند بسیاری از رزمندگان بدر بوده باشند این نسبت تا ده برابر ترقی می‌کند. بنا بر این دو حکم مذکور در دو آیه، مربوط به دو گروه مختلف و در شرائط متفاوت است، و به این ترتیب نسخی در اینجا وجود ندارد (ر. ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۷ / ۲۳۸؛ ر. ک: الحفنی، ۲۰۰۴: ۲ / ۱۵۰۵)

۵.۴. حکم این دو آیه در دوران معاصر

در هر حال چه نسخ اتفاق افتاده باشد یا نیفتاده باشد، در زمان ما تکلیف روشن است چرا که «با تأمل در بسیاری از آیاتی که منسوخ شمرده شده‌اند، می‌توان دریافت که نسخ آن‌ها نسخ مطلق نبوده، بلکه به شرایط خاص همان دوران بستگی داشته است (که بدان نسخ مشروط گویند) به این معنا که با تغییر آن شرایط و بهبود وضع، حکم سابق منسوخ گردیده و حکمی متناسب با شرایط جدید تشریح گردیده است و اگر احیاناً همان شرایط زمانی و مکانی پیش آید، آیات مربوط از نو قوت گرفته و قابل اجرا است.» (معرفت، ۱۳۸۱: ۲۶۵) یعنی در زمان ما اگر روحیه مؤمنین قوی باشد و دارای صبر و تحمل بالایی باشند مانند مسلمانان صدر اسلام باید هر کدامشان در مقابل ده نفر بایستند و خداوند متعال وعده نصرت به آنها داده است، در غیر این صورت هر کدام از آنها باید در مقابل دو نفر از کفار بایستند و امید به نصرت الهی داشته باشند.

۶.۴. تعمیم افراد به تجهیزات

ذکر عدد افراد انسانی برای مؤمنین و کفار در آیه ۶۵ و ۶۶ انفال، ظهور در تعداد انسان‌ها دارد نه تجهیزاتشان. پس از این آیات نمی‌توان این تعمیم را بدست آورد، اما مراجعه به بعضی آیات مانند آیاتی که در مورد جنگ بدر بررسی شد نشان می‌دهد که کمک و نصرت الهی اختصاصی به افراد ندارد و خداوند متعال قادر است مؤمنین را با امکانات و تجهیزات اندک، پیروز میدان کند.

۷.۴. ثمرات صبر و مقاومت مؤمنین در عصر حاضر

ثمرات شیرین صبر و مقاومت اسلامی و محقق شدن وعده‌های نصرت الهی در عصر کنونی، آنچنان زیاد است که حقایق این مسیر نورانی را به روشنی اثبات می‌کند و هر نوع شک و شبهه القاء شده را برطرف می‌سازد. پیروزی‌های جبهه مقاومت در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی در ایران، لبنان، فلسطین، عراق، سوریه، یمن و سایر بلاد اسلامی خود شاهد گویای این ادعاست، اما در مقابل، هر روز شاهد تحقیر و شکست جبهه تسلیم و ذلت ایم، جبهه‌ای که به دلیل ضعف در مقابل دشمن واقعی، همگام و همراه با آنها شده و دشمنان فرضی را از میان امت مظلوم و مقاوم برای خود ترسیم کرده‌اند و جنگ‌های نیابتی را از طرف اربابان خود به راه انداخته‌اند اما امروز اسیر دست پرتوان مقاومت و مجاهدان در راه حق شده‌اند و روز به روز از مواضع خود عقب نشینی می‌کنند. آری این یعنی تحقق همان وعده الهی که فرمود «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷) "ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد".

نتیجه‌گیری

خداوند متعال با نزول آیه ۳۹ حج در سال دوم هجری، جهاد را واجب کرد. جهاد در اسلام برای چند هدف مجاز شمرده شده است که عبارتند از: ۱. جهاد برای خاموش کردن فتنه‌ها؛ ۲. جهاد دفاعی؛ ۳. جهاد برای حمایت از مظلومان و ۴. جهاد برای محو شرک و بت پرستی. و نیز وعده‌های خداوند متعال به نصرت، گاهی مطلق و گاهی مشروط به این امور آمده است: ۱. وعده نصرت به شرط اخلاص و اقدام ۲. وعده نصرت به شرط صبر و مقاومت و ثبات قدم ۳. فراوان یاد خدا کردن ۴. اطاعت از رهبر ۵. پرهیز از پراکندگی و نزاع ۶. برحذر داشتن از کارهای ابلهانه، غرور، ریا و دنیاطلبی. همچنین نصرت عملی خداوند متعال به مجاهدان در راه خدا در جنگ‌هایی چون بدر، احزاب و حنین کاملاً مشهود است. هر مؤمنی برای برابری با ده کافر نیازمند دارا بودن: ایمان، صبر و آگاهی است. مراد از ضعف در آیه،

ضعف در صفات روحی است که به ضعف در ایمان منتهی می‌شود.

در مورد نسخ آیه ۶۵ انفال دو قول وجود دارد ولی در هر حال در عصر حاضر بنا بر قبول نسخ مشروط اگر روحیه مؤمنین قوی باشد و دارای صبر و تحمل بالایی باشند مانند مسلمانان صدر اسلام باید هر کدامشان در مقابل ده نفر بایستند، در غیر این صورت هر کدام از آنها باید در مقابل دو نفر از کفار بایستند. تشخیص زمان مدارا و جنگ و شرایط آن به عهده معصوم و در زمان غیبت بر عهده حاکم جامع شرایط (ولی فقیه) است. یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری آن را در بیانیه گام دوم به عنوان برکت هفتم (سابعاً) یاد می‌کند، «ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار» است که متخذ از آیات قرآن کریم و بخصوص آیات ۶۵ و ۶۶ انفال است. ثمرات شیرین صبر و مقاومت اسلامی و محقق شدن وعده‌های نصرت الهی در عصر کنونی، آنچنان زیاد است که حقانیت این مسیر نورانی را به روشنی اثبات می‌کند

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، (بی تا)، کفایة الاصول، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، چاپ آل البيت.
۳. امام علی بن ابیطالب علیه السلام، (بی تا)، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم، انتشارات دارالهجرة.
۴. امام سجاد علیه السلام، علی بن الحسین، (۱۳۷۶ش)، صحیفه سجادیه، قم، چاپ اول، نشر الهادی.
۵. امام خمینی رحمته الله علیه، روح الله، صحیفه امام خمینی، جلد ۲۱، پایگاه گسترش آراء و اندیشه های امام خمینی رحمته الله علیه.
<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/21/title/46>
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲.
۶. ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید، (۱۴۰۴ق)، قم، جلد ۱۹، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحریر و التنویر، (بی جا).
۸. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲ق)، زادالمسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، بیروت، چاپ اول، دارالکتاب العربی.
۹. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحرالمحیط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر.
۱۰. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، (۱۳۶۱ش)، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات

- الاسلامية مؤسسة البعثة - قم، تهران، چاپ اول، بنیاد بعثت.
۱۲. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، (۱۳۷۷ش)، جلاء الازدهان و جلاء الاحزان، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه.
۱۳. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. الحفنی، عبدالمنعم، (۲۰۰۴م)، موسوعة القرآن العظيم، القاهرة، چاپ اول، مكتبة مدبولی.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۹.
۱۶. درویش، محی‌الدین، (۱۴۱۵ق)، اعراب القرآن و بیانہ، سوریه، چاپ چهارم، دارالارشاد.
۱۷. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدسی رضوی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، چاپ اول، دارالعلم الدارالشامیه.
۱۹. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة الله، (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، قم، چاپ دوم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۰. شاکر، محمد کاظم، (۱۳۸۲ش)، مبانی و روش‌های تفسیری، قم، چاپ اول، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۱. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (بی تا)، فرائد الاصول، قم، چاپ نهم، مجمع الفکر الاسلامی.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ

- پنجم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷ش)، جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. طبری کیا هراسی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، تحقیق: موسی محمد بن علی، عزت عبد عطیة، بیروت، چاپ دوم، دارالکتب العلمیة.
۲۶. طوسی، محمد حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بامقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۷. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (فخر رازی)، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، چاپ سوم، داراحیاء التراث العربی.
۲۸. قرآنتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، تفسیر قمی، سید طیب موسوی جزائری، قم، چاپ چهارم، دارالکتاب.
۳۰. مترجمان، (۱۳۷۷ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، تحقیق: با مقدمه آیه الله واعظ زاده خراسانی، مشهد، چاپ دوم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۱. مصباح، محمد تقی، (۱۳۸۸ش)، معارف قرآن؛ راه و راهنماشناسی، قم، چاپ ششم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۲. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۱ق)، علوم قرآنی، قم، چاپ سوم، مؤسسه فرهنگی تمهید.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیة.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲ش)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، چاپ سیزدهم، دارالکتب الاسلامیه.

۳۵. موسوی همدانی، سید محمد باقر، (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۶. نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، تهران، چاپ اول، انتشارات اسلامی.